

شطرنج سه نفره!

ارزیابی تغییر موضع ناگهانی دولتمردان آمریکا نسبت به ایران

dariushsajadi@yahoo.com

تغییر موضع یکصد و هشتاد درجه ای سیاستمداران کاخ سفید در مدتی کمتر از یک هفته نسبت به جمهوری اسلامی ایران قبل از آنکه اثبات کننده مصلحت سنجی واقع‌بینانه کاخ سفید باشد اسباب تحیر و سرگشتگی و استیصال آندسته از ایرانیان صاحب رسانه در لوس آنجلس را فراهم کرد که با تصور آغاز سرنگونی رژیم حاکم بر تهران و حمایت آمریکا از اغتشاش گران در داخل کشور خوش خرامی خود برای واشنگتن طی ایام ناآرامی ها در تهران را برپا کرده می بینند!



جمعه ششم تیر ماه گذشته بود که «کوندالیزا رایس» مشاور امنیتی کاخ سفید، طی دیدار با مقامات انگلیسی در لندن گفت: «اگر دولت‌های اروپایی، انگیزه‌ای برای همکاری با آمریکا ندارند، واشنگتن به طور یکنواخت علیه ایران و کره شمالی اعلان جنگ خواهد کرد.»

بدنبال همین اظهار نظر بود که مفسر سیاسی بخش زیر ذره بین رادیو دولتی آمریکا (VOA) شورمندانه نوید آنرا می داد که آمریکا تصمیم قاطع خود را جهت مبارزه با تروریسم بین الملل گرفته و با تکیه بر اظهارات رایس به دولتمردان جمهوری اسلامی هشدار می داد که بی جهت امیدی به حمایت اروپا نبندید و آمریکا عزم خود را راسخ کرده تا راساً تکلیف جمهوری اسلامی ایران را یکسره کند!

هنوز یک هفته از اظهارات مشاور امنیتی کاخ سفید نگذشته بود که روز پنجشنبه دوازدهم تیر ماه «کالین پاول» وزیر خارجه ایالات متحده از موضعی کاملاً متفاوت با «کوندالیزا رایس» ضمن تأکیدش بر احتراز واشنگتن از دخالت در امور داخلی ایران گفت:

«آمریکا می تواند از اعتراضات جوانان ایرانی حمایت کند، ولی باید به خاطر داشته باشد که رییس جمهوری ایران آزادانه انتخاب شده است و ما نباید در یک "دعوی خانوادگی" دخالت کنیم.»

هر چند فهم موضع جدید واشنگتن برای آندسته از مخالفین ایرانی جمهوری اسلامی که در لوس آنجلس همه توان و اعتبار رسانه ای خود را صرف شهرآشوبی در جریان اعتراضات دانشجویی در تهران و دیگر شهرها بمنظور امداد رسانی به سیاستهای مداخله جویانه آمریکا کرده بودند، دشوار است اما این باعث نشد تا همان مفسر بخش زیر ذره بین رادیو آمریکا مجدداً در مقابل میکروفون این رادیو اقدام به تفهیم موضع جدید واشنگتن به دولتمردان ایران نکند و بندبازانه این بار خطاب به شنوندگان خود بگوید:

«این موضع جدید آمریکا مبین مشی دمکراتیک دولتمردان واشنگتن است!»

اغتشاشات اخیر ایران هر چقدر در داخل کشور جنبه تراژیک داشت نزد رسانه داران ایرانی مقیم لوس آنجلس به کمدی نزدیک تر بود!

از ابتدای درگیریهای تهران که سناتور «سام براون بک» با استناد به این ناآرامی ها عجولانه در مجلس سنای آمریکا ارائه دهنده طرح کمک 50 میلیون دلاری به تلویزیونهای ماهواره ای ایرانیان مقیم لوس آنجلس جهت تقویت نقش مدیریتی این رسانه ها در آشوبهای ایران شد، رقابتی مشمنز کننده میان مدیران این شبکه های فارسی زبان در گرفت که طی آن هر کدام می کوشیدند با نفی دیگری خود را به سیاستمداران آمریکائی برخوردار از مرجعیت اصلی خبر رسانی نزد ایرانیان در داخل کشور، معرفی کنند.

تلویزیون داران لوس آنجلس آنچنان در ولع کسب طعام سنای آمریکا رقابت های خود را فشرده کردند که صدای اعتراض «براون بک» را نیز درآوردند و مشارالیه با لسانی تحقیرآمیز خطاب به ایشان اظهار داشت:

«من نزد هر کدام از مدیران ایرانی تلویزیونهای لوس آنجلس که می نشینم مدعی می شود که این رسانه اوست که حرف اول را در ایران می زند و دیگر رسانه ها در حاشیه قرار دارند!»

آبروریزی ایرانیان صاحب رسانه در لوس آنجلس در کسب مرحمت مالی سنای آمریکا که همچون کودکان دبستانی که در پاسخ به سوالات آموزگار خود نابردارانه می کوشند ضمن سبقت از دیگری با صدای هر چه

بلندتر بگویند: آقا ما بگیم؟ آقا ما بگیم؟ اقدام به انکار دیگر همکارانشان کنند کار را بجائی رساند که نهایتاً دولت آمریکا عطای ایشان را بر لقانشان بخشید و راساً تصمیم گرفت با تقویت شبکه ماهواره ای رادیو - تلویزیون دولتی خود (VOA) جهت ارائه برنامه روزانه از خیر شبکه های لوس آنجلس بگذرد!

حال رو سیاهی برای لوس آنجلسیان مانده که با تغییر به یکدیگر می نگرند و خطاب به یکدیگر می گویند: تقصیر تو بود!!!

اما اغتشاشات اخیر ایران هر اندازه که جنبه هشدار دهنده برای دولتمردان جمهوری اسلامی داشت برای دولتمردان آمریکا آگاه کننده بود.

مهمترین نتیجه ملموس این اغتشاشات مجاب شدن واشنگتن از ناتوانی جامعه اپوزیسیون ایرانی مقیم لوس آنجلس بود.

بسیج همه جانبه و تمام عیار کلیه رسانه های تصویری لوس آنجلس در دامن زدن به شهر آشوبی های اخیر ایران، حجم و وزن حقیقی ایشان را که مدعی نفوذ معنوی و توان مدیریتی در درون کشور را داشتند برملا کرد! اکنون کاخ سفید تحقیقاً متوجه شده که کل توان بسیج اپوزیسیون ایرانی مقیم لوس آنجلس در ایران چیزی حدود دو تا سه هزار نفر را شامل می شود!

همین آمار غیر قابل افتخار بود که موجبات رسوائی مدعیان رهبری جامعه ایران در لوس آنجلس را فراهم کرد. اما صرف نظر از عوارض بالینی تغییر موضع ناگهانی کاخ سفید بر اپوزیسیون ایرانی مقیم لوس آنجلس که بمثابة آب سردی بر ظرفیتهای غیر قابل اعتنای ایشان بود، تغییر موضع واشنگتن را می توان از زوایای دیگری نیز مورد ارزیابی قرار داد.

هر چند واشنگتن در ابتدا تحت اغوای تبلیغات غلط و فضا سازیهای خبری رسانه ها، فرصت طلبانه کوشید از اغتشاشات اخیر ایران بهره برداری سیاسی کند اما بعد از استقرار آرامش در ایران دولتمردان این کشور با گمانه زنیهای خود واقعیبانه متوجه شدند از سرگیری گفتگو با دولت ایران مقرون به صرفه تر از دادن اختیار خود به جمعی ایرانی رویالیست مقیم لوس آنجلس است که جنس دردشان از جنس بی دردی است!

نکاتی که واشنگتن را بعد از رسوا شدن اپوزیسیون لوس آنجلس، متقاعد به اتخاذ چنین رویکردی کرد واقعتهای منطقه ای در خاور میانه بود:

- بالا گرفتن کشتار سربازان آمریکائی در عراق طی روزهای اخیر.

- عوض شدن تدریجی نوع نگاه مردم عراق به سربازان آمریکا از نیروهای آزادی بخش به ارتش اشغالگر.

- روحيات ناشناخته روحانیت شیعه خصوصاً فتوای اخیر آیت الله سیستانی منتفذ ترین مرجع تقلید شیعیان در عراق که آمریکائیهها تلقی روحانی آرامی از وی داشتند مبنی بر: عدم صلاحیت آمریکایی ها و انگلیسی ها برای تعیین اعضای مجلس تدوین قانون اساسی عراق.

مجموعه واقعتهای فوق در کنار ناامیدی این کشور از به فرجام براندازانه رسیدن اغتشاشات کور تهران، دولتمردان آمریکا را متقاعد به این نکته کرد که: راه صلح در کربلا از تهران می گذرد!

ظاهراً طی سفر هفته گذشته جک استرو وزیر خارجه انگلستان به ایران، دولتمردان تهران توانسته اند از کانال لندن به واشنگتن تفهیم کنند منافع ملی خود را قربانی شناخت غلط خود از ایران و خصومت کور صهیونیستهای صاحب نفوذ در کاخ سفید و هیجان زدگی اپوزیسیون مقیم لوس آنجلس نکنند و چنانچه حرفی برای گفتن دارند مثل بچه آدم بیایند پای میز مذاکره در ژنو تا ببینیم چه می خواهند!

متلک دیپلماتیک رئیس جمهور خاتمی به وزیر خارجه بریتانیا طی ملاقاتش با وی در تهران مبنی ابراز امیدواری نسبت به عملکرد سفیر انگلیس در تهران جهت فهم واقعیت های ایران و انتقال درست این واقعتهای به مسئولان کشورش بمنظور اجتناب از ارزیابی های اشتباه لندن از مسائل ایران، گوشزد زیرکانه ای بود که ظاهراً هم لندن و هم واشنگتن به فراست پیام مستتر در آنرا دریافت کرده اند.

آغاز مجدد مذاکرات ایران و آمریکا در ژنو طی هفته گذشته، نشان دهنده آنست که تهران با هوشیاری توانسته اهمیت استراتژیک خود برای تامین صلح در منطقه را به آمریکائیان تحمیل نماید.

موضعگیری بدیع و واقعیبانه وزیر خارجه آمریکا نسبت به ایران علی رغم حمایت ناشیانه جورج بوش و تونی بلر از اغتشاش گران روزهای گذشته در ایران در کنار اخبار موافقت ایران جهت تحویل دادن نیروهای بازداشتی القاعده و موضعگیری اخیر وزارت خارجه ایران نسبت به طرح صلح خاورمیانه و منوط کردن آن به پذیرش

فلسطینیان جملگی مُبین بر سر عقل آمدن آمریکا در مواجهه با تهران و تن دادن ایران به مذاکره مجدد با واشنگتن مشروط بر عدم دخالت این کشور در امور داخلی ایران است. هر چند آغاز مجدد مذاکرات ژنو می تواند فرصت تنش زدانی غیر مستقیم مناسبات تهران و واشنگتن را فراهم کند اما این فرصت در بطن خود برخوردار از ظرفیتهای فتنه گری نیز می باشد. بُعد فتنه گرانه این مذاکرات از آنجا نشأت می گیرد که طرف اسرائیلی که همواره مخالف هر گونه نزدیکی میان تهران و واشنگتن بوده بمانند سنوات قبل خود را مهبیای کارشکنی و توقف این روند نماید. افشای سفر مخفیانه مک فارلین به تهران در دهه شصت و توفیق در تعلیق مذاکرات دور نخست ایران و آمریکا در ژنو با ادعای همراهی ایران در عملیات تروریستی القاعده در ریاض طی بهار گذشته القاء کننده این توقع به ناظران سیاسی است که ناشکیبائی فتنه گرانه تل آویو در هر گونه روند تنش زدانی میان تهران و واشنگتن فضای سیاسی موجود میان دو کشور را مجدداً مهبیای دسیسه ای خصومت آمیز نمایند. تل آویو طی 24 سال گذشته کوشیده در صفحه شطرنج تعاملات میان تهران و واشنگتن خود را بعنوان بازیگر سوم و پشت صحنه به طرفین تحمیل نماید و یگانه نقشی را هم که در این بازی عهده داری کرده به هم زدن اصل بازی بوده!

داریوش سجادی

14/ تیر/ 82

آمریکا